

المحرّفون تحريف كندگان

وهم الحكام والمتظاهرون بالإسلام، و علماء السوء غير العاملين.
که حاکمان و تظاهر کنندگان به اسلام، و علمای بد نهاد بی عمل می باشند.

أمّا الحكام، فداعیهم إلى تحريف الشريعة هو الملك لا غير. فكل معتقد أو حكم شرعي يتعارض وبقاءهم على كرسى الحكم يجب أن يحرف بحسب نظرهم الفاسد، بأي صورة كانت سواء بوضع أحاديث وإصاقها بالرسول، أم بحذف آيات أو سور من القرآن لو أمكن، أو بمنع رواية الأحاديث الصحيحة عن الرسول، أو بمنع قراءة القرآن كما أنزل وتأويله كما يريد الله، أو بشراء مرتزقة يسمونهم علماء يحرفون القرآن ويؤولونه ويفسرونه على هوى الحكام الظلمة.

اما حاکمان، آنچه آنها را به شریعت فرامی خواند، حکومت و فرمانروایی است و نه چیز دیگر، و هر اعتقاد یا حکم شرعی که با باقی ماندن آنها بر مسند حکومت در تضاد و تعارض باشد، باید طبق نظر فاسدشان تحریف گردد؛ به هر صورت ممکن، چه از طریق ساختن احادیث و نسبت دادن آنها به رسول خدا (ص)، یا اگر بتوانند با حذف آیات و سوره‌هایی از قرآن، یا با جلوگیری از روایت احادیث صحیح از رسول خدا (ص)، یا با جلوگیری از قرائت قرآن به همان صورتی که نازل شده و بازداشتن از تأویل آن آنگونه که خداوند می خواهد، و یا با خریدن جیره خوارانی - که آنها را علما می نامند - تا قرآن را تحریف کنند و آن را بر میل حکام ظالم تأویل و تفسیر نمایند.

وطبعاً لو أمكنهم وضع تشريعات وقوانين مخالفة لشريعة الله، ولكنها تساعد على بقائهم في السلطة مدة أطول لسار عوا إلى وضعها، خصوصاً إذا أعانتهم ظروف الجهل الديني في المجتمع الإسلامي ووجود علماء سوء غير عاملين، كما هو حال البلاد الإسلامية اليوم.

و طبیعتاً اگر برایشان امکان‌پذیر باشد تشریحات و قوانینی مخالف شریعت خدا را نیز وضع خواهند کرد، که اگر در جهت بقای آنها در سلطه‌شان برای مدتی طولانی‌تر باشد، در وضع کردن آنها درنگ نخواهند کرد؛ علی‌الخصوص اگر ظرفیت‌های جهل دینی در جوامع اسلامی و وجود علمای بد نهاد بی‌عمل، به آنها کمک کند؛ همان‌گونه که امروز وضعین سرزمین‌های اسلامی چنین است.

وَأَمَّا علماء السوء، فهم أخطر من الحكّام الظلمة؛ لأنّ الحاكم الجائر يدلك كثير من تصرفاته وأعماله العلنية في محاربة أولياء الله على خروجه عن الشريعة ومحاربتها، أمّا العالم غير العامل فربما يتسرّب بلباس العابد الناسك، فتجده مثلاً متموّتاً في مشيئته، خاضعاً في كلمته، ولعله يظهر التذلل والخضوع ليصطاد الأتباع. ولكنّك إذا سبرت غوره وجدّته فاسداً متكبّراً، يتصنّع الصلاح والتواضع، بل إنّ ظاهره يدلك على باطنه، فتصدر منه كثير من الفلتات التي تفضح باطنه الأسود، ف (الإناء ينضح بالذي فيه).

اما علمای بد نهاد، خطرناک‌تر از حکام ظالم هستند؛ چرا که حاکم ستمگر بسیاری از دخل و تصرفاتش را به شما می‌نمایاند و کردارش در جنگ با اولیای خدا با خارج شدنش از شریعت و جنگ با آنها، به طور علنی آشکار می‌باشد. اما در مورد عالم بی‌عمل، چه بسا لباس عابد گوشه‌نشین به تن کند، و او را چنین بی‌بایی که به عنوان مثال در راه رفتن متواضع است، در گفتار خاضع، و گاهی تظاهر به شکسته‌نفسی و خضوع می‌نماید، تا پیروانی را با حيله‌گری شکار کند. حال آنکه اگر درونش را نیک بیازمایی، او را فاسدی متکبّر می‌یابی که تظاهر به صلاح و تواضع می‌نماید و حتی ظاهرش او را به باطنش رهنمون می‌سازد و از او اشتباهات و ناهنجاری‌های بسیاری سر می‌زند که باطن سیاهش را رسوا می‌سازد؛ و «از کوزه همان برون تراود که در او است» [683].

وخطر علماء السوء يمتد حتى بعد موتهم، فتبقى مذاهبهم ومعتقداتهم الفاسدة وفتواهم غير الصحيحة، ويبقى لهم أتباع كما أنهم يمتازون بالنفاق وإخفاء بواطنهم الفاسدة، ودواعي هؤلاء للتحريف كثيرة، منها: طلب القيادة الدينية، وإرضاء الأهواء النفسية. خطر علمای بد نهاد حتی پس از مرگ آنها نیز ادامه خواهد داشت. راه و روش شان، اعتقادات فاسدشان و فتوهای نادرستشان بر جای می ماند، و پیروانی از آنها که به واسطه‌ی نفاق و مخفی بودن باطن‌های فاسدشان متمایز می‌باشند، باقی می‌مانند. انگیزه‌های چنین افرادی برای تحریف بسیار است؛ از جمله: درخواست رهبری دین، و ارضای خواست و هوای نفسانی.

ومنها: إنهم يأنفون من قول (لا أعلم)، ولهذا يدعون معرفة كتاب الله والعلم بالتنزيل والتأويل والمحكم والمتشابه، وإن لديهم فتوى لكل مسألة شرعية، وحل لكل معضلة عقائدية. وربما يأخذ التكبر منهم كل مأخذ، فيرون أنفسهم علماء وسواهم جهلاء. وإنهم خير من الجميع وأعلم من الجميع.

و از جمله: آنها از گفتن کلمه‌ی «نمی‌دانم» ابا دارند، و از همین رو، ادعای معرفت و شناخت کتاب خدا، علم تنزیل، تأویل و محکم و متشابه را دارند و به علاوه آنها برای هر مسأله‌ی شرعی فتوایی و برای هر معضل عقیدتی، راه حلی دارند، و چه بسا تکبر همه چیزشان را از آنها بگیرد؛ آنها خود را عالم و دانشمند و غیر خود را جاهل و نادان می‌بینند، و اینکه آنها برتر و داناتر از همه می‌باشند.

وربما كان من دواعيهم إلى التحريف الخوف من الطاغوت الحاكم، فيفتون إرضاء له وتجنباً للاصطدام معه مثلاً بجواز الانخراط في صفوف قواته المسلحة، التي مهمتها الأساسية هي ضرب الشعوب الإسلامية، وإضعاف دين الله في أرضه والقضاء عليه إذا أمكن.

چه بسا یکی از انگیزه‌های آنها برای اقدام به تحریف، ترس از طاغوت حاکم باشد؛ در این صورت، آنها برای رضای او فتوا می‌دهند و از رویارویی و برخورد با او اجتناب می‌ورزند؛ به عنوان مثال با صادر کردن جواز پیوستن به صفوف

نیروهای مسلحی که مهم‌ترین هدفش سرکوب ملت‌های اسلامی، تضعیف نمودن دین خدا در زمینش و در صورت امکان نابود کردن آن می‌باشد!

وربما كان بعضهم أخس من ذلك، فيكون داعيهم للتحريف إضافة إلى الجبن الدنيا والمال، فيداهنون الطاغوت، ويضلون المسلمين ويحرّفون الشريعة. و چه بسا برخی از آنها از این هم فرومایه‌تر باشند، و علاوه بر ترس، دنیا و مال و منال را هم به انگیزه‌های تحریف کردن خود افزون کنند؛ اینان، با طاغوت سازش می‌کنند، مسلمانان را گمراه می‌سازند و شریعت را تحریف می‌نمایند.

قال الإمام الصادق (ع): (إذا رأيت العالم محبباً للدنيا فاتهموه على دينكم، فإنّ كل محب يحوط ما أحب) [\[684\]](#).
امام صادق (ع) فرموده‌اند: «اگر عالم را دوست و محبی برای دنیا دیدید، او را بر دین خود متهم بدانید؛ زیرا دوست‌دار هر چیزی، برگرد آن حلقه می‌زند» [\[685\]](#).

وقال (ع): (أوحى الله تعالى إلى داود (ع)، لا تجعل بيني وبينك عالماً مفتوناً بالدنيا فيضلك عن طريق محبتي، فإنّ أولئك قطاع طريق عبادي المریدين، إنّ أدنى ما أنا صانع بهم إن أنزع حلاوة مناجاتي من قلوبهم) [\[686\]](#).
همچنین امام صادق (ع) می‌فرمایند: «خداوند متعال به داوود (ع) وحی فرمود: بین من و خودت عالمی که شیفته‌ی دنیا باشد قرار مده؛ چرا که تو را از طریق محبت من گمراه می‌کند، که آنها راهزنان بندگان خواستار تقرب به من هستند و کم‌ترین مجازتی که برای آنها دارم این است که شیرینی و حلاوت مناجاتم را از قلب‌هایشان جدا ساخته‌ام» [\[687\]](#).

ومن كلام عيسى (ع): (إنكم علماء السوء، الأجر تأخذون والعمل تضيعون، يوشك رب العمل إن يطلب عمله، وتوشكون إن تخرجوا من الدنيا العريضة إلى ظلمة القبر وضيقة) [\[688\]](#).

و از سخنان عیسی (ع) است که می فرماید: «و شما ای علمای بی عمل! مزد را می گیرید و عمل را ضایع می کنید؟ نزدیک است صاحب عمل، عملش را مطالبه کند و نزدیک است شما از دنیای فراخ به ظلمت قبر تاریک خارج شوید» [689].

وکلاهما - أي علماء السوء غیر العاملين، والحکام الطواغیت الذین یحکمون البلاد الإسلامية الیوم - أخطر من الکافر الحربی کالصهاينة علی الإسلام؛ وذلك لأن بقاء علماء السوء یعنی بقاء الحکام الظلمة متسلطین علی المسلمین، وبقاء الحکام الظلمة یعنی بقاء الصهاينة یحتلون أرض المسلمین، وبقاء الأمريکان متسلطین علی المسلمین یجرعونهم الویل والثبور؛ لأن هؤلاء الحکام هم خدم للطاغوت الأمريکی سواء بعلمهم أم برعونتهم وتخبطهم الأهوج، كما أن الصهاينة وطیلة أشهر من الانتفاضة المبارکة فی أرض فلسطین لا یقتلون إلا مائة شخص أو أكثر بقلیل. أما هؤلاء الحکام الطواغیت فهم یقتلون فی یوم واحد المئات، بل وآلاف المسلمین. كما أن الصهاينة یقتلون المسلمین لیحتفظوا بالأرض التي اغتصبوها، أما هؤلاء الحکام الظلمة وأعوانهم فیقتلون المؤمنین؛ لأنهم یتلذذون بسفک الدماء. فهؤلاء الطواغیت وأعوانهم مسوخ شیطانية منکوسون لا یعرفون شیئاً من الخیر، (صُمُّ بَکُمْ عُمِّي فَهُمُ لَا یَرْجِعُونَ) [690].

و هر دوی آنها - علمای بد نهاد بی عمل و حکام طاغوتی که امروزه بر سرزمین های اسلامی حکومت می کنند - خطرناک تر از کافران جنگ افروز - همانند صهیونیست ها - بر ضد اسلام می باشند؛ این به آن دلیل است که بقای علمای بد نهاد، یعنی باقی ماندن حکام ظالم مستبد و مسلط بر مسلمانان، و بقای حکام ظالم، یعنی ماندن صهیونیست هایی که سرزمین مسلمین را به اشغال خود درمی آورند، و همچنین مسلط ماندن آمریکا بر مسلمین، که مصیبت و ویرانی و تباهی را به کام مسلمان می ریزد؛ چرا که این حاکمان، خود نوکر و خادم طاغوت آمریکا هستند، چه با علمشان و چه با سبک سری ها و خبط و خطاهای شتاب زده شان؛ کما اینکه صهیونیست ها، طی ماه ها انتفاضه ی مبارک در سرزمین فلسطین بیش از یک صد نفر یا کمی بیش تر را به قتل

نمی‌رسانند، ولی این حاکمان طاغوتی در یک روز، صدها نفر و حتی هزاران مسلمان را می‌کشند. صهیونیست‌ها، مسلمانان را می‌کشند تا سرزمینی را که از آنها غصب کرده‌اند حفظ نمایند، اما این حاکمان ستم‌گر و اعوان و انصارشان، مسلمانان را به قتل می‌رسانند؛ چرا که آنها از ریختن خون‌ها لذت می‌برند. این طاغوت‌ها و اعوان و انصارشان، مسخ شدگان شیطانی و وارونه‌شدگانی هستند که هیچ خیری را نمی‌شناسند: (کردند، لالند، کورند؛ پس آنها باز نمی‌گردند) [691].

ومعركة الإصلاح يجب أن تبدأ مع علماء السوء غير العاملين، ثم تنتقل إلى الطواغيت المتسلطين على البلاد الإسلامية، ثم من يليهم من الطواغيت المتسلطين على العالم، بل وقبل كل ذلك يجب أن نبدأ مع أنفسنا ونظيرها من جنود الشيطان. فرسول الله بدأ حركته الإصلاحية في أم القرى في مكة، المدينة التي تمثل المرجعية الدينية للأحناف والمدينة التي يحج إليها الأحناف، ثم انتقل إلى ما حولها من القرى في الجزيرة العربية، ثم انتقل إلى الإمبراطوريات المحيطة به صلوات الله عليه وعلى آله.

پیکار اصلاحی، باید از علمای بد نهاد بی‌عمل آغاز گردد، سپس به طاغوت‌های مسلط شده بر سرزمین‌های اسلامی منتقل شود و پس از آن به همه‌ی طاغوت‌های مستبد مسلط بر همه‌ی جهان کشیده شود؛ اما پیش از همه‌ی اینها، لازم است از خودمان شروع کنیم و وجودمان را از سربازان شیطان پاک کنیم. رسول خدا (ص) حرکت اصلاحی خود را از امّ القرى در مکه آغاز نمود؛ شهری که تمثیل مرجعیت دینی حنفی بود؛ شهری که در آن یکتاپرستان به سوی آن حج به جا می‌آوردند، سپس به اطراف آن -شهرها و روستاهای جزیره العرب- منتقل شد، و پس از آن به امپراطورهای مسلط بر آن؛ سلام و صلوات خداوند بر او و بر آل او!

ومن الطبيعي أنّ مواجهة التيارات الجاهلية جميعها ومواجهة قاداتها صعبة تحتاج إلى شدة في ذات الله، وعزم وصبر على الملمات.

طبعی است که رویارویی با همه‌ی آن جریان‌ها و جناح‌های جاهلیت و مواجهه با پیشوایان سرسخت آن، به شدت و جدیت در ذات خدا، و عزم و صبر بر وقایع ناگوار نیاز دارد.

وربما لن يقوى على القيام بها إلا معصوم مؤيد من الله سبحانه وتعالى وهو المهدي (ع)، فواجبنا اليوم هو التهيئة لدولته (ع)، إصلاح الانحرافات الموجودة ما أمكن أو على الأقل تعريفها للناس، لا أن نقف مكتوفي الأيدي ونقول لا حول ولا وقوة إلا بالله.

و چه بسا کسی قادر به اقدام به چنین عملی نباشد مگر معصومی که تأیید شده از جانب خداوند سبحان و متعال باشد، و او همان مهدی (ع) است و تکلیف امروز ما زمینه‌سازی برای حکومت او (ع) و اصلاح انحرافات موجود تا جایی که امکان‌پذیر باشد، و یا حداقل، شناسانیدن آنها به مردم، می‌باشد؛ نه اینکه دست روی دست گذاشته، فقط بگوییم «لا حول ولا وقوة إلا بالله» (هیچ تغییر و قوتی نیست مگر با خداوند).

نعم، لا حول ولا قوّة إلاّ بالله، وإنا لله وإنا إليه راجعون، ولكن الله خلق الموت والحياة ليبلوكم أيكم أحسن عملاً. وأسألوا الله إن يعجل فرج مولانا المهدي (ع) ويمن علينا بفضله وعطائه الابتداء وجوده وكرمه بظهوره وقيامه، ليأخذ بأيدينا إلى الصراط المستقيم، ويخرجنا من الظلمات إلى النور، ويرينا مناسكنا والأحكام الشرعية الصحيحة.

آری، «لا حول ولا قوّة إلاّ بالله» و «إنا لله وإنا إليه راجعون» اما خداوند مرگ و زندگی را آفرید تا بیازماید کدام یک از شما عملکرد بهتری دارید. از خدا بخواهید تا فرج مولای ما مهدی (ع) را تعجیل فرماید، و در وهله‌ی اول با فضل و بخشش خود، و با جود و کرمش با ظهور و قیام او بر ما منت نهد، تا

دست‌های ما را بگیرد و به صراط مستقیم رهنمون سازد، ما را از تاریکی‌ها به نور خارج سازد، و عبادات و فرایض ما و احکام شرعی صحیح را به ما بنمایاند.

* * *

[684] - اصل عبارت: «الإِنَاءُ يَنْضَحُ بِالذِّى فِيهِ» (ظرف هر چه در خودش است را تراوش می‌کند) (مترجم).
- عِلل الشرایع: ج 2 ص 394، مشكاة الأنوار: ص 245، بحار الأنوار: ج 2 ص 107.

[685] - عِلل الشرایع: ج 2 ص 394 ؛ مشكاة الانوار: ص 245 ؛ بحار الانوار: ج 2 ص 107.

[686] - عِلل الشرایع: ج 2 ص 394 ، مشكاة الأنوار: ص 245، ورواه في الكافي: ج 1 ص 46 عن النبي .

[687] - عِلل الشرایع: ج 2 ص 394 ؛ مشكاة الانوار: ص 245 ؛ و كافي: ج 1 ص 46 أن را از پیامبر (ص) روایت نموده است.

[688] - منية المرید: ص 141، بحار الأنوار: ج 2 ص 39، سنن الدارمی: ج 1 ص 103، تاریخ دمشق: ج 47 ص 464.

[689] - مدينة المرید: ص 141 ؛ بحار الانوار: ج 2 ص 39 ؛ سنن دارمی: ج 1 ص 103 ؛ تاریخ دمشق: ج 47 ص 464.

[690] - البقرة: 18.

[691] - بقره: 18.